

اسیدپاشی از نگاه قانون و رویه قضایی (مطالعه موردی پرونده اسیدپاشی)

سیده فرزانه رضایی^۱، جلال ستایشی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۳۰

صفحه ۱۰۳ تا ۱۲۶

افصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی لرستان

سال پنجم / شماره سوم / پاییز ۱۳۹۶

چکیده

اسیدپاشی یکی از جرائم خشن علیه اشخاص است. علیرغم افزایش ارتکاب آن در جامعه باید بیش از پیش مورد تحلیل علمی قرار گیرد. متأسفانه جمیع عوامل فرهنگی و پرورشی و خانوادگی، اجتماعی و خلاءهای قانونی و ... در بروز این ناهنجاری فجیع دخیل هستند. لایحه قانونی اسیدپاشی مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ تنها قانونی است که اسیدپاشی را جرم‌انگاری کرده‌است که با تصویب ق.م.ا ج جدید برخی آن را نسخ شده می‌دانند و برخی به دلیل خاص بودن لایحه معتقدند همچنان پابرجاست. اسیدپاشی در سطح گسترده در صورت اخلال در نظم می‌تواند از مصادیق افساد فی الارض مطابق ماده ۲۸۶ ق.م.ا باشد. همچنین توجه به بحث خسارت مازاد بر دیه امری احتراز ناپذیر است. زیرا در اکثر موارد مبلغ دیه کفاف هزینه های مکرر اعمال جراحی بزه دیدگان اسیدپاشی را نمی‌دهد و ماده یک ق.م.م بهترین مستند صدور حکم در این زمینه است. شاید به جرات بتوان گفت بزه دیدگان اسیدپاشی بیش از بزه دیدگان انبوهی از جرائم استحقاق صدور حکم به خسارت معنوی را دارند که با از بین رفتن زیبایی، بینایی و ... برای همیشه از موقعیت های اجتماعی و یک زندگی سعادتمند محروم می‌شوند. بند ب ماده ۱۴ ق.ج.م.ا مجدداً امکان جبران خسارت معنوی را احیا ساخت که می‌بایست سازوکار نحوه جبران و تقویم پیش بینی گردد. پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این مسأله که رویکرد قانونگذار و رویه قضایی نسبت به این جرم، با استفاده از منابع کتابخانه ای و مطالعه موردی پرونده اسید پاشی به رشته تحریر درآمده است.

واژه های کلیدی: جرم، مجازات، اسیدپاشی، خشونت، افساد فی الارض

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل:

seyedeh.farzaneh.rezaee@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه اصفهان، ایران.

مقدمه

اسیدپاشی را از جهات مختلف می‌توان بررسی کرد. جرم اسیدپاشی را غالب حقوقدانان در زمره جرائم علیه اشخاص بررسی می‌کنند زیرا موجب آسیب به تمامیت جسمانی قربانی است. این جرم به طور خاص در رسته ضرب و جرح قرار می‌گیرد و جرمی است دارای جنبه عمومی که تنفر و احساسات همگانی را بر می‌انگیزد. اسیدپاشی از بعد جرم‌شناختی در زمره جرائم خشونت بار قرار دارد. به کار بردن اسید در ارتکاب این جرم نشانگر حالت خطرناک شخص بزه‌کار است که در قالب خشونت علیه شخص بزه‌دیده بروز می‌نماید. یکی از اساتید حقوق جزا، در کتاب حقوق کیفری اختصاصی (جرائم بر ضد اشخاص)، اسیدپاشی را در بحث «صدمات عمدی منتهی به فوت» زیر عنوان «قتل به وسیله پاشیدن اسید» آورده‌اند (پاد، ۱۳۴۷، ۱۲۰). ولی دیگر حقوقدانان اسیدپاشی را مصداقی از جنایت‌های تعزیری، در کنار جرم‌هایی چون منازعه، سقط جنین و جرم‌های ناشی از تخلفات رانندگی انگاشته‌اند (آقایی نیا، ۱۳۹۰، ۳۱۰).

مرتکبان اسیدپاشی در علوم جرم‌شناسی و روانشناسی دارای تیپ شخصیتی خاصی هستند همچنین از بعد جامعه‌شناسی و اقتصادی از طبقات پایین و فقیر و بدون تحصیلات و دارای مشکلات و ناهنجاری‌های فرهنگی و خانوادگی هستند.

مطالعه شخصیت افرادی که مبادرت به اسیدپاشی می‌کنند، نشان می‌دهد اینان نیز همانند اکثر بزه‌کاران از عوامل عمومی مانند مسایل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی متأثر بوده و در واقع دارای شخصیتی آسیب‌پذیر هستند که به شدت تحت تأثیر محرک‌ها، از خود واکنش نشان می‌دهند. اما این عوامل به تنهایی موجب ارتکاب این اعمال نیست، بلکه شرایط روحی و روانی مرتکبان اسید پاشی، نشانه‌ای از تخریب توانمندی‌های روحی و تقلیل آستانه مقاومت آن‌هاست که منجر به تحریک پذیری زودرس و واکنش غیرمعتارف در رفتار آنان می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد روحیه حساس و شخصیت آسیب‌پذیر این افراد، باعث می‌شود بروز بعضی حوادث و ناملایمات به ویژه در زمینه‌های احساسی به حدی اثرات مخرب و منفی بر شخصیت ضعیف آنان بگذارد که به محض بروز ناکامی یا شکست عاطفی و عشقی، به جای برخورد منطقی و عاقلانه، واکنش فرد نسبت به این حوادث، عاطفی و سریع باشد و مراتب دگرگونی روحی و روانی از ناراحتی و افسردگی، به کینه جویی و انتقام‌طلبی شود و در این زمان راه‌های مورد اقدام و طرق واکنش با توجه به مقدمات، عمدتاً غریزی بوده و مولفه سرعت نقش تعیین‌کننده‌ای در این میان ایفا می‌کند. شخص اسید پاش با مطالعه اقداماتی که می‌تواند نسبت به هدف و شخص قربانی انجام دهد، سعی در انجام سریع‌ترین، موثرترین و اثرگذارترین اعمالی دارد که بتواند روح آزوده و تشنه‌ی انتقام او را آرام

کند (رایجان اصلی، ۱۳۹۲، ۲۵). مع الوصف آنچه اهمیت دارد این است که جایگاه بزه اسیدپاشی در نظام حقوقی کنونی ما و رویکرد قانونگذار و رویه قضایی نسبت به این جرم چگونه می باشد؟ در همین راستا و در پاسخ به این سؤال، پژوهش پیش رو با مطالعه موردی و تحلیل یک رأی به رشته تحریر در آمده است.

در راستای ویژگی هایی که برای اسیدپاشی شمرده شد، اطلاعات و آمارهای این پدیده را می توان در چند محور خلاصه کرد ازجمله: بزه دیدگان اسیدپاشی در شهرها بیش از روستاها هستند. از نظر جنسیت، بیشتر بزه دیدگان اسیدپاشی را زنان تشکیل می دهند. برای نمونه، مطابق یکی از تحقیق ها، ۹۸ درصد بزه دیدگان اسیدپاشی «زنان» بوده اند که از این تعداد، ۵۰ درصد آنان بینایی خود را از دست داده اند و بقیه هم به طور عمده، دچار جراحات های شدید در پوست و دیگر اعضای بدن شده اند. با وجود این، موردهای خاصی (مانند مورد اسیدپاشی در شهرستان سراب) نیز گزارش شده که در آن، دختری به صورت پدر خود اسید پاشید. از منظر علت شناسی، ۹۰ درصد اسیدپاش ها به دلیل شکست عشقی و عاطفی، و ۱۰ درصد به علت ارضای حس انتقام و کینه جویی اقدام به این کار می کنند. مطابق تحقیق های انجام شده، خودخواهی مردانه، در کنار عواملی چون احساسات و عواطف در روابط عشقی، یکی از عوامل اصلی بزه اسیدپاشی است (ابهری، ۱۳۹۰، ۴۰). در مورد آمارهای دیگر کشورها نیز باید گفت که بالاترین شمار اسیدپاشی در شبه قاره آسیای جنوبی از جمله در بنگلادش و پاکستان گزارش شده است به طور یکه برای نمونه، در سال ۲۰۰۲، نزدیک به ۲۸۰ زن پاکستانی در جریان اسیدپاشی کشته و افزون بر آن ۷۵۰ تن مصدوم و مجروح شده اند. همچنین، در چند سال گذشته، اسیدپاشی به زنان و دختران به شکل خیره کننده ای در بنگلادش افزایش داشته است. پیش از آن، در سال های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، به ترتیب، بیش از ۱۳۰ و ۲۰۰ مورد اسیدپاشی در این کشور گزارش شده بود. این آمار در سال های ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، از ۳۴۱ مورد به ۴۸۵ پرونده رسید به طور کلی سالانه قریب ۱۵۰۰ تن در کشور، بزه دیده اسیدپاشی می شوند که ۸۰ درصد آنان را زنان تشکیل می دهند و ۴۰ تا ۷۰ درصد آنان زیر ۱۸ سال می باشند.

برای نمونه، جرج پی. فلچر - حقوق شناس آمریکایی در مقاله ای با عنوان «جایگاه بزه دیدگان در نظریه سزادهی»، با انتقاد از نظریه های حقوق جنایی که بی توجه به جایگاه بزه دیدگان در تحلیل مسئولیت کیفری شکل گرفته است و با اذعان به اینکه به رغم پیشرفت هایی که در دهه های گذشته در زمینه حق های بزه دیدگان انجام شده لازم است این دغدغه ها وارد بحث های مربوط به مسئولیت جنایی و کیفردهی شود، نقش مهمی را که بزه دیدگان، چه در سامانه های حقوق داخلی (مانند ایالت های متحد آمریکا) و چه در سامانه بین المللی (مانند دیوان جنایی بین

المللی) باید داشته باشند، تحلیل می کند. (رایجان اصلی، مهرداد " دوره ۲، ش ۴، پاییز ۱۳۹۲، ص ص ۱۰ و ۱۱)

رکن قانونی

در مورد سیر قانونگذاری در موضوع اسید پاشی باید گفت جرم اسید پاشی در قانون جدید مجازات اسلامی تعریف نشده است اما در پی اسید پاشی های مکرر بالاخص بر روی یک قاضی از سوی کسی که توسط او محکوم شده بود در ۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۷ ماده واحده ای در این خصوص تصویب شد. مطابق ماده واحده لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید «هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیب شیمیایی دیگر، موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع و یا نقصان یا ازکار افتادگی اعضا شود به حبس جنایی درجه ۲ تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگر شود به حبس جنایی درجه ۲ از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد».

برخی معتقدند مجازات اعدام تنها در حدود جای دارد و اکنون با قانون جدید مجازات اسلامی این مجازات نسخ و مجازات در محدود م. ۲۹ ق. م. ا باید تفسیر گردد.

عده ای نیز در پاسخ معتقدند صرف بیان مجازات اعدام در این مورد نمی تواند موجب فسخ کل این قانون گردد و در کنار این که قانون پابرجاست حسب مورد می توان به دیگر قوانین همچون قانون مجازات اسلامی در باب حدود قصاص و دیات و تعزیرات رجوع کرد (زندى و دیگران، ۱۳۹۵، ۵۵)

برخی معتقدند به دلیل خاص بودن این ماده واحده، نمی توان مفاد آن را به موجب مقررات عام موخر (مثلاً ماده ۶۱۴) منسوخ دانست اما در خصوص وقوع قتل مطابق ماده واحده، مجازات مرتکب اعدام بوده که در حال حاضر با توجه به جایگزین شدن قصاص به عنوان مجازات قتل عمد منسوخ است (ر. ک. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴۳۷ مورخ ۱۳۸۲/۵/۴ قوه قضائیه) در خصوص سایر مجازات ها (حبس جنایی درجه یک و ۲ تا ۱۰ سال همچنان در رویه قضایی طبق تحقیقات میدانی نگرانندگان اختلاف نظر وجود^۳ دارد و برخی از قضات صرفاً^۴ با تکیه بر ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و در این زمینه رای صادر می کنند. شروع به اسید پاشی نیز هر چند مطابق ماده واحده (لایحه اسید پاشی مصوب ۱۳۳۷) ۲ تا ۵ سال حبس در پی

^۳ - مصاحبه حضوری با قاضی مهرداد تهمتن، قاضی دادگاه کیفری استان فارس، شعبه ویژه رسیدگی به جرایم اسید پاشی

خواهد داشت اما قضات و برخی حقوقدانان معتقدند قانونگذار با تصویب قانون جدید در مقام دادن نظم به تمامی شروع به جرایم است و لذا شروع به ارتکاب این را جرم را طبق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به ماده ۱۹ همین قانون (بند ب : در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه ۴ است) از ۲ تا ۱۰ سال حبس مطابق ماده واحده) به حبس تعزیری درجه ۵ (حبس بیش از دو تا ۵ سال) محکوم می شود)

رکن مادی جرم

پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر بر روی بدن اشخاص را اسید پاشی گویند (ایمانی، ۱۳۸۱، ۵۱).

عمل مرتکب و وسیله ارتکاب

قانونگذار در قانون مذکور صرفاً به فعل پاشیدن در ارتکاب این جرم تصریح کرده است و دیگر مصادیق به کار بردن اسید من جمله خوراندن یا تزریق و ... را ظاهراً خارج است اما در عین حال نباید به منطوق واژه «پاشیدن» تسلیم محض بود و اقداماتی مانند ریختن یا فرو کردن اعضاء بدن مجنی علیه در اسید، مترادف پاشیدن محسوب و منطبق با هدف قانونگذار است.

وسيله در این ماده واحده شرط است که همان اسید یا ترکیبات شیمیائی مشابه است.

مطابق نظر برخی از پژوهشگران حقوقی اقدام مقنن در منحصر کردن تحقق جرم به «ترکیبات شیمیایی» قابل انتقاد است؛ زیرا با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری پاشیدن ترکیبات غیر شیمیایی هر چند منجر به صدماتی حتی شدیدتر از صدمات مذکور در ماده واحد را نمی توان تحت شمول آن دانست و بهتر آن بود که مقنن از عنوان کلی «ترکیبات شیمیایی و غیرشیمیایی» در متن قانون استفاده می کرد. و هم اکنون ترکیبات غیر شیمیایی مثل آب جوش از این بحث و مواد مربوطه به اسید پاشی خارج است و در این موارد نصی در قوانین موجود وجود ندارد . (زندی را چاقلو ۱۳۹۲، ۵۶) برای پاشیدن ماده ی شیمیایی نیز استفاده از وسیله ی خاصی در تحقق جرم شرط نمی باشد و هر آن چه را که بتوان بر آن اطلاق «پاشیدن» نمود، می توان تحت شمول ماده دانست. برخی حقوقدان ها اقداماتی نظیر ریختن اسید و انداختن و فرو کردن اعضاء بدن مجنی علیه در اسید را نیز تحت شمول ماده دانسته اند. در این زمینه هر چند با توجه به عدم تفاوت منطقی در ماهیت ریختن و پاشیدن و نیز تفسیر منطقی قانون ریختن ماده شیمیایی را می توان ذیل عنوان «پاشیدن» و در نتیجه مشمول ماده دانست اما شمول ماده بر انداختن مجنی علیه در ماده ی شیمیایی و یا فرو کردن اعضاء او را در آن، نمی توان پذیرفت (آقایی نیا، ۱۳۹۲، ۳۰۶)

زیرا مقتضای تفسیر قوانین کیفری، تفسیر در حد قدر متیقن و مسلم متون قانونی است و بدون تردید توسعه ی مصادیق، بدون وجود نصی برای آن ها قابل پذیرش نخواهد بود و تنها در صورت وجود تصریح قانونی می توان موارد فوق را مشمول ماده دانست که با توجه به فقدان چنین تصریحی عمل مرتکب در صورت وجود شرایط قصاص، مشمول ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی و در غیر این صورت مشمول تبصره «۲» همان ماده و یا ماده ی ۲۹۰ همان قانون حسب مورد خواهد بود. نهایتاً به نظر می رسد امکان توسعه مصادیق دیگر از قبیل فرو کردن اعضای بدن بزه دیده در اسید و ... در تشریح جرم اسید پاشی بیشتر مطابق با روح قانون و هدف قانونگذار که همان عدالت محض است باشد. نکته ی دیگری که ذکر آن خالی از فایده نخواهد بود، آن است که با توجه به قواعد کلی، جرم اسید پاشی نیز همانند سایر جرایم علیه اشخاص هم به صورت مباشرتی و هم به صورت تسبیتی قابل تحقق است؛ پس در حالاتی که شخص عمل پاشیدن را به کودک غیر ممیز یا مجنونی واگذار می کند و یا با اکراه، شخص ثالث و یا حتی خود مجنی علیه را وادار به پاشیدن ماده ی شیمیایی می نماید با توجه به ضعف مباشر تنها عمل سبب مشمول ماده و قابل مجازات خواهد بود.

نتیجه مجرمانه

هرچند جمعی از پژوهشگران جزایی معتقدند اسیدپاشی از جرایم مقید به نتیجه بوده که از جمله اجزاء دیگر رکن مادی است. این نتایج عبارتند از مرض دائمی، فقدان یکی از حواس، قطع یا نقصان یا از کار افتادگی عضوی از اعضاء یا صدمه دیگر. اما به نظر می رسد اسیدپاشی یک جرم مطلق است و محقق شدن هر یک از این موارد به معنای مقید بودن این جرم نیست.

به موجب صدر ماده واحده: «هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام ... محکوم خواهد شد. در این زمینه برخی این قسمت از ماده را از باب فساد فی الارض و یا محاربه دانسته و در نتیجه کماکان آن را قابل اجرا می دانند. هر چند به نظر عده ای این نظر را نمی توان پذیرفت. زیرا برای تحقق محاربه و افساد فی الارض به موجب مواد ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی علاوه بر شرایط خاص این جرم، دست به اسلحه بردن نیز ضروری است و با توجه به این که مصادیق سلاح را عرف مشخص می کند، اسید و مواد شیمیایی از مصادیق اسلحه نبوده و به تعبیر ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یا چد شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی شود (میر محمد صادقی ، جرایم علیه اشخاص ، ۱۳۹۲ ، ۳۰۵) درست به همین

علت برخی حقوقدان ها اسید پاشی را محاربه ندانسته اند؛ به عبارت بهتر صرف خطرناک بودن وسیله ی به کار رفته، موجبی برای تحقق عنوان محاربه نخواهد بود. در این زمینه ذکر این نکته حائز اهمیت است که هر چند در قوانین بعد از انقلاب و به صورت پراکنده به عنوان کلی افساد فی الارض اشاره شده و بر این اساس بعضی دادگاه ها نیز آرای صادر کرده اند و صرف نظر از تعارض این مواد با ماده ی (۲۸۶) فوق الذکر و عدم تعریف قانونی آن باید گفت اسیدپاشی شامل این عنوان کلی نیز نخواهد شد؛ زیرا عنوان افساد فی الارض نیز زمانی تحقق می یابد که جرمی منجر به مفسده ی عمومی و انحراف جامعه از راه حق شود به عقیده برخی این موضوع نیز در رابطه با اسیدپاشی مذکور در این ماده منتفی است و مجازات اعدام مذکور در ماده واحده را باید منسوخ دانست. اداره ی حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه ی شماره ۷/۳۴۳۷ - ۴/ ۸۲/۵ مقرر داشته است که: «قسمت اول لایحه ی قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ با توجه به قانون مجازات اسلامی منسوخ است...». حال می توان با توجه به نظر دسته قائلین به نسخ صدر ماده واحده مفروض زیر متصور دانست:

الف) در صورتی که مرتکب با قصد قتل مبادرت به پاشیدن اسید کند و یا در صورت فقدان قصد ابتدایی، اطلاق عنوان نوعاً کشنده به عمل او با توجه به نوع ماده ی شیمیایی به کار رفته و محل اصابت میسر باشد؛ عمل مرتکب قتل عمدی و مشمول مقررات مربوط به آن خواهد بود. البته باید توجه داشت که صرف کشنده بودن عمل موجب تحقق قتل عمدی نخواهد بود بلکه مرتکب باید به کشنده بودن عمل خود نیز واقف باشد؛ زیرا برای تحقق بند «ب» ماده (۲۹۰) قانون مجازات اسلامی قصد عمل نوعاً کشنده لازم است و نه صرف عمل نوعاً کشنده. پس در صورتی که مرتکب ثابت کند به نوع و میزان اسید جاهل بوده و یا قصد پاشیدن ماده ی شیمیایی به قسمتی غیر حساس از بدن مجنی علیه را داشته و ماده ی شیمیایی به طور کاملاً اتفاقی به موضع حساس بدن اصابت کرده، اطلاق قتل عمدی به عمل وی صحیح نخواهد بود؛ زیرا ملاک تمیز جنایات عمدی از انواع دیگر آن قصد مرتکب است و به لحاظ تحلیل عقلی وقتی می توان صحبت از قتل عمد کرد که قصد قتل وجود داشته باشد و در حالت فوق با توجه به فقدان قصد قتل چه به صورت ابتدایی و چه به صورت ضمنی اطلاق قتل عمدی بر عمل مرتکب محمل قانونی نخواهد داشت.

ب) در حالتی که مرتکب بدون قصد قتل مبادرت به پاشیدن ماده ی شیمیایی کرده و عمل وی نیز نوعاً کشنده نباشد، قتل شبه عمد بوده و با توجه به نسخ مجازات اعدام در ماده واحده، عمل فرد تنها براساس ماده (۶۱۶) قانون مجازات اسلامی قابل مجازات خواهد بود. به موجب این ماده: «در صورتی که قتل غیرعمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالائی یا اقدام به امری که مرتکب

در آن مهارت نداشته یا به سبب عدم مهارت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز پرداخت دیه ... محکوم خواهد شد؛ زیرا علاوه بر غیر قانونی بودن نفس اسیدپاشی، عمل مرتکب نوعی بی احتیاطی نسبت به حیات مجنی علیه نیز بوده و مشمول ماده فوق خواهد بود. نکته ای که ذکر آن حائز اهمیت است آن است که در صورتی که بر اثر پاشیدن ماده ی شیمیایی به مجنی علیه صدماتی وارد آمده و سپس وی به قتل برسد؛ عمل مرتکب را باید تعدد معنوی بین ماده ی (۶۱۶) فوق الذکر و لایحه ی قانونی مربوط به اسیدپاشی دانست . (در این مورد نیز به عقیده برخی استناد به ماده (۲۹۶) قانون مجازات اسلامی در مورد تداخل مجازات قصاص نفس و عضو بر اثر یک ضربه نیز صحیح نخواهد بود؛ زیرا ماده ی مذکور مربوط به بحث قصاص بوده و تسری آن به بحث تعزیرات محمل قانونی نخواهد داشت. خصوصاً آن که در صورت نپذیرفتن این استدلال مجازات اسیدپاشی منجر به قتل (در صورت ورود صدمه) به طور فاحشی از اسیدپاشی منجر به صدمات، کم تر بوده و به عبارت دیگر برای مرتکب بهتر آن خواهد بود که اسیدپاشی، منجر به مرگ مجنی علیه شود تا صدمات جسمانی. اما بالا خره مستند به ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی ، چنانچه پاشیدن اسید به صورت عمدی موجب قتل مجنی علیه گردد چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد قتل عمدی محسوب می شود و به علت عضو یا جراحی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی گردد ، همچنین اگر با پاشیدن اسید موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی علیه شود چنانچه همه آن ها به طور مشترک موجب قتل او شود قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد فقط به قصاص نفس محکوم می شود ، اما اگر اسید پاشی منجر به مرگ مجنی علیه نگردد و به اعضای دیگر سرایت کند و به تمام جنایات ایجاد شده تجمیع می گردد .

اما نکته مهم این است که مدارک اصلی بررسی های فوق و صدور حکم در این زمینه نظر تخصصی اداره پزشکی قانونی است که علت تامة را در هر مورد به تفکیک معین کند (مصاحبه حضوری با قاضی مهرداد تهمتن قاضی دادگاه کیفری یک استان فارس ، شعبه ویژه رسیدگی به جرایم اسید پاشی) در مورد قواعد کلی مربوط به ضرب و جرح عمدی منجر به فوت نیز این قضیه صادق است و در آن جا نیز در صورتی که پس از واردن آمدن عمدی ضرب یا جرح به مجنی علیه، او فوت کند با فرض عمدی نبودن قتل و عدم امکان قصاص مذکور عمل فرد تعدد معنوی بین ماده ی (۶۱۶) و تبصره «۲» ماده ی (۲۶۹) یا ماده ی (۶۱۴) حسب مورد خواهد بود؛ زیرا آن چه برای تحقق تعدد معنوی لازم است عمل واحد مشمول عناوین متعدد مجرمانه است و بدون شک تعدد نتایج مجرمانه عمل را از شمول عنوان تعدد معنوی خارج نخواهد کرد. حتی در حالی که عمل مرتکب

اسیدپاشی، منجر به صدمات مذکور در ماده واحده نشده ولی منجر به مرگ مجنی علیه گردد، عمل مرتکب تعدد معنوی بین شروع به اسیدپاشی و ماده (۶۱۶) خواهد بود؛ مانند آن که اسیدپاشی با توجه به نوع و میزان ماده ی شیمیایی و یا لباس های خاص مجنی علیه تنها باعث بر هم خوردن تعادل و در نتیجه مرگ او به صورت اتفاقی شود. خاطر نشان می شود در تمامی موارد گفته شده در فوق در صورت مطالبه ی اولیای دم، مرتکب به پرداخت دیه ی نفس به آن ها محکوم خواهد شد و در مورد عضو، اولیای دم مستحق دیه نخواهند بود؛ زیرا در صورتی اولیای دم مستحق دیه ی نفس و دیه ی عضو به صورت توأمان خواهند بود که عملی موجب قطع عضو و عملی دیگر موجب قتل گردد. در همین مورد ماده ی ۲۹۷) قانون مجازات اسلامی نیز، در صورت وقوع مرگ و قطع عضو با یک ضربه عمل فرد را تنها مستوجب قصاص نفس دانسته است و برای عضو از جهت قصاص یا دیه حقی قائل نشده است (ماکرانی، ۱۳۹۱، ۲۰).

رکن معنوی جرم

با توجه به صراحت ماده واحده، صرف سوء نیت عام یا قصد فعل پاشیدن اسید بر مجنی علیه کافی است. به علاوه لازم است که مرتکب به ماهیت وسیله (اسید یا ترکیباتی شیمیایی دیگر) نیز آگاه باشد تا بتوان مرتکب را عاقد در پاشیدن اسید شناخت. در این جرم سوء نیت خاص (قصد نتیجه) شرط نیست و صرف سوء نیت عام کافی است و این اعم است از آنکه مرتکب نتیجه حاصله را خواهان بوده یا نبوده. لازم به ذکر است که ویژگی های مجنی علیه از نظر سن، جنس، سلامتی، بیماری، ضعف یا قوت نیز تأثیری در اعمال مجازات بر کسی که با پاشیدن اسید موجب مجروح شدن دیگری شده نخواهد داشت. بنابراین با توجه به قید عمدا در ماده واحده، تنها ارتکاب عمدی این جرم منظور است و مواردی همچون شبه عمد و خطای محض در این خصوص خروج موضوعی دارد و باید به قوانین عام مراجعه کرد (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ۱۸۰).

با توجه به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که مصادیق جنایت عمدی را بیان می کند، ارتکاب عمدی جرم اسید پاشی در چهار صورت متصور خواهد بود: اولاً در صورتی که مرتکب عامداً قصد ایراد جنایت توسط اسید را بر فرد یا افراد معین یا فرد یا افراد غیر معین داشته باشد؛ به عنوان مثال ظرف اسید را به قصد ایراد جنایت پرتاب کند و خواست او و نتیجه مجرمانه حاصل گردد. دوماً هر گاه مرتکب قصد ارتکاب اسید پاشی را نداشته ولی عمداً مرتکب عملی می شود که نوعاً موجب جنایت توسط اسید می گردد؛ مثلاً با علم به وجود اسید در ظرفی دست دیگری را داخل ظرف نماید ولی قصد ایراد جنایت نداشته باشد. سوم آن که مرتکب به عللی دیگر مانند

وضعیت خاص مکانی، مرتکب جنایت شود و به وضعیت خاص موجود آگاه باشد مثلاً در هوایی طوفانی بطری اسید را در جهتی که باد می وزد به سمت نفری که در کنار او ایستاده به هوا بپاشد. چهارم، موردی که اسید پاش، قصد ایراد جنایت، موردی که اسید پاش، قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد بدون آن که فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود مثلاً در جمعیتی از کارگران که دست به اعتصاب زده اند ظرفی از اسید را به میان آن ها پرتاب کند (پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۴، ۱۲۱).

از سوی دیگر مطابق م ۲۹۴ ق.م.ا اشتباه در هویت مجنی علیه نیز تاثیری در موضوع نخواهد داشت اگر مرتکب به قصد جنایت بر شخص الف، اقدام به پاشیدن ماده شیمیایی نموده و سپس معلوم شود که مجنی علیه شخص بوده است، تاثیری در مجازات شخص مرتکب نخواهد داشت مگر این که شخصی غیر شخص معینی که مرتکب قصد کرده صدمه ببیند که عمل مرتکب تنها در حدود مقررات مربوط به ضرب و جرح غیر عمدی قابل رسیدگی است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ۱۷۶).

همچنین مطابق م ۲۹۳ ق.م.ا: هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكابی بیشتر از مقصود وی واقع شود چنان چه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نشود نسبت به جنایت کمتر عمدی و نسبت به جنایت بیشتر شبهه عمدی محسوب می شود: مانند آن که شخصی بر دست دیگری اسید بپاشد و به سبب آن، به بازو و کتف او سرایت کند و در نتیجه عمق جراحت دست وی قطع گردد و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست یا فوت شبهه عمدی است (زندی و دیگران، ۱۳۹۵، ۵۸۶).

مجازات

تعیین مجازات شروع به جرم اسیدپاشی امری اختلافی است. جمعی از حقوقدانان برجسته معتقدند با تصویب م ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ قانونگذار اراده کرده نظمی یک پارچه به همه ی شروع به جرم های تعزیری بدهد و این ماده شروع به جرم ماده واحده اسید پاشی را نسخ ضمنی کرده است اما در مقابل عده ای همچنان معتقدند قانون خاص چه موخر و چه مقدم باشد، عام را تخصیص خواهد زد مگر اینکه قرینه ای در میان باشد لذا بر اساس منطوق این ماده واحده مجازات شروع به اسید پاشی حبس از دو تا پنج سال است. اما به نظر نگارنده م ۱۲۲ را باید حاکم بر تمام شروع به جرم های تعزیری دانست.

الف) مجازات شروع به اسیدپاشی: شروع به اسیدپاشی صرف نظر از قصد نتیجه و یا انگیزه مرتکب جرم قابل مجازات است و کافی است که قصد فعل او احراز شود.

ب) مجازات جرم تام: مجازات مقرر در ماده واحده (حبس) تابع شدت و ضعف نتایج مجرمانه است. چنانچه موجب مرضی دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه یا قطع یا نقصان یا از کار افتادگی شود به حبس از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمات دیگری شود به حبس از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمات دیگری شود به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ج) تخفیف و تعلیق مجازات: با توجه به منسوخ بودن ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی و قانون تعلیق اجرای مجازات مصوب ۱۳۴۶ که مجازاتهای حبس بیش از یکسال را قابل تعلیق نمی‌دانست، هم اکنون تخفیف و تعلیق این جرم مطابق قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صورت می‌گیرد که مطابق با بند ب ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ این جرم و شروع به جرم آن غیر قابل تعلیق است.

بنابراین در جرم اسیدپاشی اگر مجنی علیه کشته شود مطابق ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی فرد جانی به قصاص نفس محکوم خواهد شد اما اگر فرد مجنی علیه عضوی از اعضای خود را از دست بدهد بر طبق ماده ۳۸۷ و ۳۸۸ قانون مجازات فرد جانی در برابر او قصاص عضو خواهد شد. در ماده ۳۸۸ آمده است "در قصاص عضو، زن و مرد برابند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می‌شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می‌تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد." مطابق فقه اسلامی و قانون کشور ما که از فقه نشأت گرفته است زن و مرد در دیه ی اعضاء برابرند تا جایی که دیه ی زن به یک سوم دیه ی کامل برسد که در این صورت دیه ی زن نصف خواهد شد. بنابراین در صورتی که فرد مجنی علیه در اسیدپاشی زن باشد و چشمان او نابینا شود چون دیه ی دو چشم برابر با یک دیه ی کامل است، این دیه به نصف تقلیل یافته و در هنگام قصاص، زن باید نصف دیه را به مرد بپردازد.

در باب قصاص اعضای آسیب دیده ی مجنی علیه نیز در ماده ۳۹۳ قانون مجازات اسلامی ۶ شرط در قصاص عضو ذکر شده است که از جمله آنها، این است که قصاص نباید موجب تلف جانی یا عضو دیگری شود و همچنین نباید بیش از اندازه ی جنایت باشد.

همچنین در اغلب پرونده های اسیدپاشی با توجه به میزان آسیب دیدگی عموماً علاوه بر قصاص چشم، ارش سوختگی صورت، اندام‌های فوقانی، قفسه صدری، نقص زیبایی و تخریب صورت و حبس تعزیری برای جانی تعیین می‌شود اما مساله این است که آیا در قانون پرداخت هزینه های درمانی مجنی علیه و خسارت از کارافتادگی و افزایش مخارج زندگی و خسارات معنوی مانند از دست دادن شغل، خصوصاً در موردی که فرد مجنی علیه شغلی داشته باشد که با از بین رفتن یکی

از حواس یا اعضای بدنش دیگر به طور کلی قادر به انجام آن نباشد (مشاغلی همچون نقاشی و ...) و حتی خسارتی برای دردهای ناشی از اسیدپاشی نیز از جانی مطالبه می شود؟

آنگونه که مشخص است در اکثر پرونده های اسیدپاشی جز دیه و ارش اعضای بدن مجنی علیه و برخی خسارات مانند تخریب صورت و از بین رفتن چهره، خسارات ناشی از صدمات جسمانی که مازاد بر دیه است بر عهده ی جانی گذارده نمی شود درحالیکه معمولاً هزینه های درمان و اعمال جراحی که بر روی فرد مجنی علیه انجام می شود، بسیار بیشتر از میزان کل دیات و ارش پرداختی به او می باشد. بر این اساس فرد مجنی علیه که بدون گناه و به دلیل نادانی و کینه توزی فرد دیگری به شدت صدمه دیده است باید برای بهبود شرایط ظاهری و جسمی خود با قرض، وام، کمک افراد خیرخواه و ... هزینه هایی چندین برابر چیزی که به او تعلق گرفته است، بپردازد اما جانی با پرداخت دیه، ارش و چند سال حبس از آثار و عواقب عمل شنیع خود رهایی پیدا کند، در اینجا باید سوال کرد که آیا قانون در این زمینه توانسته است هدف اصلی خویش یعنی برقراری عدالت را انجام دهد؟ و یا قوانین در این زمینه موجود بوده اما در دادگاههای کشور اجرایی نمی شود؟

گفتنی است به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد- باید دادگاه هزینه های درمانی، هزینه از کارافتادگی و خسارات معنوی فرد مجنی علیه مانند از میان رفتن زیبایی چهره، شغل و ... را از جانی مطالبه نماید اما مشکل اینجاست که متأسفانه این قانون در کشور ما عملاً اجرا نمی شود و گرنه قضات می توانند با استناد به این ماده ی قانونی تمامی این هزینه ها را از فرد جانی مطالبه نمایند (ماکرانی، ۱۳۹۰، ۲۲).

همچنین مطابق قاعده ی فقهی لاضرر (لاضرر و لاضرار فی الاسلام) چون فرد جانی در جرم اسیدپاشی با قصد قبلی و آگاهانه دست به ارتکاب چنین عملی زده، در واقع علیه خود اقدام به ضرر نموده است بنابراین باید تمامی خسارات وارده بر مجنی علیه را بپردازد و یا می توان گفت ضامن نبودن فرد اسیدپاش نسبت به خسارات مادی و معنوی وارده بر فرد آسیب دیده حکمی ضرری است و موجب زیان بر مجنی علیه می شود و مطابق قاعده ی لاضرر باید برای جلوگیری از زیان رسیدن به فرد آسیب دیده، فرد جانی ضامن خسارات شناخته شود.

مطلب آخر درباره نحوه اجرای قصاص در اسیدپاشی است که فرد جانی در این نوع قصاص حتی درد ناشی از اسیدپاشی را متحمل نشده و پس از بیهوشی در چشمان او اسید ریخته می شود درحالیکه فرد مجنی علیه هم در لحظه ی پاشیده شدن اسید و هم مدتها در اثر این جنایت زجر و ناراحتی کشیده است که این مساله نیز در نوع خود قابل تامل می باشد که آیا هدف از قصاص تنها مجازات فرد است یا مجازاتی همانند عمل جانی با همان ناراحتی و درد وارد آمده بر مجنی علیه؟

مجازات جرم اسید پاشی از منظر جنبه عمومی جرم

سوال دیگری که در زمینه ی مجازات فرد اسیدپاش پیش می آید این است که این فرد که امنیت جامعه را بر هم زده است آیا به لحاظ جنبه ی عمومی جرم دارای مجازات قابل قبولی است که حتی در صورت عفو جانی و یا خانواده ی او مدعی العموم بتواند حق جامعه را اقامه کند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت درست است که در جرم اسیدپاشی به لحاظ جنبه شخصی جرم، قصاص حق مجنی علیه در نظر گرفته شده است اما در بسیاری از موارد وزنه عفو و بخشش از جانب مجنی علیه بر وزنه مطالبه قصاص سنگینی نموده و اغلب با گذشت مجنی علیه پایان می یابد. اما از طرف دیگر این بخشش و عدم اجرای قصاص می تواند به جری شدن سایر افراد و رواج اسیدپاشی در جامعه بینجامد، بنابراین باید مجازات این جرم به لحاظ جنبه ی عمومی به قدری سنگین باشد که حتی پس از عفو از قصاص نیز جانی و دیگر افراد جامعه به دنبال تکرار این جرم نروند.

بطور مثال در پرونده آمنة بهرامی ندا مجازات جانی از نظر جنبه عمومی ۱۰ سال حبس و ۵ سال تبعید در نظر گرفته شد اما با توجه به اینکه نمودار جرم اسیدپاشی در جامعه روند صعودی خود را در این سال ها طی می کند آیا نیاز به مجازات سنگین تر برای فرد اسیدپاش حس نمی شود؟ مثالا در قوانین کشورهای همچون پاکستان که مجازات اسیدپاشی ۳۰ سال زندان بود پس از افزایش این جرم به حبس ابد تبدیل گشت. البته مشخص است که افزایش مجازات هیچ گاه راه حل اصلی در پیشگیری از وقوع چنین جرائمی نبوده و ریشه یابی های اجتماعی، روانی و ... در این مساله مهم تر خواهد بود اما چون افزایش مجازات موجب افزایش رعب و توجه به عواقب عمل در میان کسانی که به چنین عمل شومی فکر می کنند، می شود شاید مسکنی موقتی برای کاهش جرم اسیدپاشی قلمداد شود و وضع مجازاتی مانند حبس ابد بتواند تا حدی موجب کاهش این جرم باشد.

همچنین در زمینه ی جنبه ی عمومی جرم سوالی پیش می آید که آیا می توان به دلیل اخلال در نظم جامعه مجرم را در اسیدپاشی مفسد فی الارض دانسته و او را به مجازات اعدام محکوم کرد؟ از نظر بسیاری از کارشناسان با بررسی ماده ۲۷۹ قانون مجازات «هر کسی، که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه برد، محارب می باشد.» به دلیل اینکه واژه ی اسلحه در این ماده به کار رفته است و اسید هم جزء سلاح گرم و سرد محسوب نمی شود به این جرم عنوان محاربه اطلاق نمی شود درضمن اینکه در قانون مصادیق محاربه و افساد فی الارض مشخص شده است و مستند قانونی برای مفسد فی- الارض شناختن مرتکب جرم اسیدپاشی وجود ندارد.

در این ماده قانونی می بینیم حتی صرف به دست گرفتن اسلحه بدون شلیک کردن، در صورتی که موجبات هراس و ناامنی را برای مردم جامعه فراهم کند، مشمول جرم محاربه شده و شخص مرتکب به کیفر اعدام محکوم می شود اما جرم اسیدپاشی که نتایج و آثاری بمراتب زیان بارتر و رعب انگیزتر از صرف سلاح کشیدن در جامعه دارد تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض قرار نگرفته است.

گرچه عنوان عرفی اسلحه بر اسید اطلاق نمی شود اما با رواج جرم اسیدپاشی در جامعه شاید اکنون بتوان گفت این ترکیب شیمیایی نیز به نوعی سلاح سرد همانند چاقو و... برای انتقام گیری و اقدامات تلافی جویانه تبدیل شده و حتی عمل اسیدپاشی که در ملاء عام و مقابل دیدگان مردم جامعه انجام می شود بمراتب بیشتر از یک دعوای همراه با چاقوکشی بر افکار عمومی اثر گذاشته و رعب و وحشت شدید به همراه اخلال در امنیت اجتماعی ایجاد می کند و به نظر می رسد با نگاه جامع تر قانون گذار به سیر صعودی این جرم در جامعه و تجدیدنظر در تعاریف بتوان این جرم را نوعی افساد فی الارض دانسته و یا با وضع قوانین مجازاتهای سنگینی مانند حبس ابد برای آن وضع کرد. اما در اینجا باید خاطر نشان کرد که با توجه به اینکه در فقه اسلامی اگر فردی در اثر تکرار یک جرم تعزیری، سه مرتبه تعزیر شود در مرتبه ی چهارم به علت افساد فی الارض و اخلال در نظم جامعه به اعدام محکوم خواهد شد، بنابراین در زمینه ی جرم اسیدپاشی نیز می توان همین حکم را تسری داد و دادگاه فرد تکرار کننده ی این عمل را می تواند به لحاظ جنبه ی عمومی به اعدام محکوم نماید. شایان ذکر است در این مسأله اختلاف نظر وجود دارد همچنان که سابقاً ذکر شد.

حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای، معاون اول قوه قضاییه و سخنگوی دستگاه قضا در هفتاد و سومین نشست خبری خود در خصوص اسیدپاشی اظهار کرد: در سال‌های قبل از

انقلاب اسلامی، قانون قصاص نداشتیم اما بعد از انقلاب، قانون قصاص تدوین شد که بر اساس آن، اگر کسی با اسید یا هر وسیله دیگری فردی را بکشد، به قصاص نفس محکوم می‌شود؛ حتی اگر با قصد کشتن، یک مشت هم بزند و طرف مقابل جان خود را از دست بدهد، فرد مرتکب قابل قصاص است اما چنانچه باعث مرگ او نشد و موجب صدمه بدنی شد، طبق قانون فعلی متهم قصاص عضو می‌شود؛ به این معنا که اگر فردی با استفاده از اسید، چشم دیگری را کور کرد، فرد قربانی می‌تواند قصاص چشم کند یا دیه بگیرد. وی با تاکید بر اینکه از باب جنبه عمومی جرم نیز قاضی می‌تواند مجازات دیگری در نظر بگیرد، گفت: غیر از این نظریه دو نظریه دیگر هم وجود دارد، برخی می‌گویند تکرار اسیدپاشی به طوری که باعث وحشت مردم بشود و نیز در مواردی که فردی از روی عمد با ارتکاب اسیدپاشی موجبات ترس مردم را فراهم کند، مشمول عنوان محاربه بوده و مجازات مرتکب آن اعدام است. در این میان تفاوتی بین وسیله‌ای که موجب ترس و وحشت می‌شود، وجود ندارد این فتوای همه علما و نظر همه حقوقدانان نیست. معاون اول قوه قضاییه خاطرنشان کرد: در این زمینه در حال حاضر قانون چندان شفافیتی نداریم که اسیدپاش را می‌توان به عنوان مفسد فی‌الارض یا محارب اعدام کرد یا خیر. که به نظر نگارنده این دکترین جای تامل و تدبیر عادلانه بسیاری دارد و با قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ماده، ۲۸۶ که اشعار می‌دارد: هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد ...، بخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک ... به گونه‌ای که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور یا ایجاد ناامنی یا ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد یا ... در حد وسیع گردد مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

به نظر می‌رسد مرتکبین عمدی جرم اسیدپاشی در حد وسیع که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی می‌شوند را بتوان مفسد فی‌الارض شناخت و اعتقاد به عدم نسخ مجازات اعدام در این خصوص بود.

یکی از پژوهشگران حقوق جزا در خصوص رهیافت بزه دیده شناسانه به اسیدپاشی با کاوش پیرامون نظریه «شتاب دهندگی بزه دیده» که بر اساس آن بزه دیده در فرایند ارتکاب مجرمانه نقش دارد؛ معتقد است گذشته از نقش تحریک کننده یا شتاب دهنده بزه دیده در فرایند ارتکاب جرم؛ او شایسته با بهره‌مندی از حق‌های مشخص و حمایت‌های ویژه است یعنی تقصیر و یا سرزنش‌پذیری بزه دیده با استحقاق او از بهره‌مندی از حقوق و حمایت‌های ویژه منافات ندارد (رایجان اصلی، ۱۳۹۲، ۲۰). به نظر نگارنده نیز انجام هیچ رفتار محرکی نمی‌تواند علت ارتکاب چنین جرم فجیعی گردد. البته همچنان که بررسی شد در نظام حقوقی ایران در پاسخ به نحوه

اسید پاشی کیف‌های شرعی (قصاص و دیه) در درجه اول قرار دارد و به جزی موارد تعزیری و قائل بودن به جنبه عمومی این جرم خشن نمی‌توان از نظر نقش تحریک کننده بزه دیده به منزله یکی از جهات تخفیف سخن گفت و این نظریه علی‌رغم عدم توجه و مهجور ماندن همچنان جای بررسی دارد.

و نهایتاً حق بزه دیده در بهره‌مندی از جبران و ترمیم از برجسته‌ترین حقوق است که باید بیش از پیش به آن توجه شود زیرا شخص بزه‌کار از گذر از بین بردن چهره و وضعیت ظاهری بزه دیده در واقع منزلت و حیثیت انسانی و اجتماعی و روحی و روان او را نیز به طور دائمی خدشه دار می‌کند. هر چند ممکن است جبران خسارت معنوی و تقویم پولی آن تاکنون بیشتر جنبه نمادین در این مقوله داشته باشد و سازوکارهای این گونه جبران خسارت مشخص نباشد و بین صاحب نظران اتفاق نظری موجود نباشد؛ اما با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ (ماده ۱۴ و تبصره آن) مجدداً اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی روح تازه‌ای یافتند و این امکان جبران خسارت معنوی مجدداً فراهم گشت که اگر سازوکار تقویم پولی مهیا گردد، تدبیر شایسته‌ای قلمداد می‌گردد و شاید مرهمی بر جراحات‌های فجیع و غیر قابل بهبود بزه دیدگان اسید پاشی.

حقوق تطبیقی

اسیدپاشی در کشورهایی که از نظر توسعه اجتماعی و اقتصادی در وضعیت خوبی نیستند و شکاف جنسیتی و خشونت علیه زنان و کودکان در آنها زیاد است بیشتر دیده می‌شود. این پدیده در کشورهای زیادی در دنیا دیده می‌شود و در کشورهایی که شایع‌تر است، یعنی کشورهای جنوب آسیا، سابقه‌ای بیشتر از پنجاه سال ندارد. در افغانستان، در دوران حکومت طالبان مدرسه‌های دخترانه تعطیل شده و اسیدپاشی بر صورت دختران مدرسه‌ای مرسوم شده بود. در بنگلادش اسیدپاشی معمولاً شکلی از خشونت خانگی است. در ایران تقریباً در ۹۰ درصد موارد اسیدپاشی، قربانی زنان هستند. برخی از خواستگاران که در روابط عاشقانه شکست می‌خورند با اسیدپاشی بر صورت زن موردنظرشان (به قصد تخریب زیبایی وی) انتقام‌گیری می‌کنند. برخی از کارشناسان قوانین مربوط به اسیدپاشی را به اندازه کافی بازدارنده نمی‌دانند. از کشورهای بنگلادش، هند، پاکستان، کامبوج، ویتنام، لائوس، هنگ‌کنگ، چین، بریتانیا، آفریقای جنوبی، اوگاندا، جامائیکا و اتیوپی به عنوان کشورهای نام برده می‌شود که این رفتار تهاجمی بیشتر در آن دیده می‌شود. این پدیده در ایران و افغانستان و عربستان سعودی و عراق هم وجود دارد (ماکرانی، ۱۳۹۱، ۲۸).

مطالعه روانشناسی مرتکبان اسید پاشی

مطالعه شخصیت افرادی که مبادرت به اسید پاشی می کنند نشان می دهد اینان نیز همانند اکثر بزهکاران از عوامل عمومی مانند مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی موثر بوده و در واقع دارای شخصیت آسیب پذیر هستند که به شدت تحت تاثیر محرک ها، از خود واکنش نشان می دهند اما این عوامل به تنهایی موجب ارتکاب این اعمال نیست و شرایط روحی و روانی مرتکبان اسید پاشی، نشانه ای از تجریب توانمندی های روحی و تقلیل آستانه مقاومت آن هاست که منجر به تحریک پذیری زود رس و واکنش غیر متعارف در رفتار آنان می شود، پرونده های اسید پاشی نشان می دهد روحیه حساس و شخصیت آسیب پذیر این افراد، باعث می شود بروز بعضی حوادث و ناملایمات به ویژه در زمینه های احساسی به حدی اثرات مجرب و منفی به شخصیت ضعیف آنان بگذارد که به محض بروز ناکامی یا شکست عاطفی و عشقی تا جای برخورد منطقی و عاقلانه واکنش فرد سریع و خشن بروز می دهند. روانشناسان بالینی معتقدند اسید پاشی نوعی رفتار پرخاشگرانه است که به دلیل غیر قابل پیش بینی و عدم احاطه و کنترل بر آن می تواند موجب ترس و وحشت عمومی شود، از جمله آسیب های روانی؛ گاهی پردازش و نگرش بد بینانه (پارانوئید) و حتی آسیب های روانی شدید و هزیان بودن می تواند فرد را وادار به انجام رفتار پرخاشگرانه مانند اسید پاشی کند، مبتلایان به اختلالات روانی از جمله هزیان، باعث می شود نسبت به جنس مقابل هزیان داشته و از طریق اسید پاشی تصمیم به انتقال از آنها بگیرند.

در این قسمت یکی از آرای صادره در زمینه جرم اسیدپاشی را بررسی می کنیم که برای آماده سازی ذهن خوانندگان، ذکر مختصری از ماقع خالی از فایده نیست:

خانم الف مدت ها با همسر خود که متأسفانه اعتیاد به مصرف روانگردان صنعتی شیشه دارد، مشاجره و درگیری داشته است و مرتباً از جانب همسرش مورد ضرب و جرح قرار می گرفته است که مطابق با گفته هایش پس مصاحبه حضوری با وی در زندان عادل آباد شیراز (از مصرف شیشه دچار اختلال روانی شده و به او تهمت رابطه نامشروع می زده است و او را وادار به اقرار می کرده است؛ این مشاجرات ادامه داشته است تا روز حادثه که اسیدپاشی اتفاق می افتد؛ (اگر چه خانم الف و وکیلش ادعا می کنند که اول همسر خانم الف با ظرف اسید حمله ور شده و خانم الف در مقام دفاع از خود زیر ظرف زده و آن را روی همسرش ریخته است) اما هیئت دادگاه، مطابق نظر پزشکی قانونی که حاکی از آن است که بزه دیده در حال استراحت بوده و هیچ گونه حالت تدافعی برقرار نبوده، دفاع ایشان را نمی پذیرد و بر اساس میزان سوختگی به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید که در ذیل مورد تحلیل قرار می گیرد.

دادنامه

گردشکار: به تاریخ فوق در وقت رسیدگی دادگاه کیفری استان به تصدی امضاء کنندگان زیر تشکیل پرونده کلاسه فوق تحت نظر است. احد دادپاران محترم به نمایندگی از دادستان دادرای عمومی و انقلاب اظهار داشت وفق مقررات تقاضای اتخاذ تصمیم قانونی دارم. دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت خداوند متعال و تکیه بر وجدان و شرف به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

نسبت به اتهام خانم دایر بر ایراد جرح عمدی با چاقو و به وسیله اسیدپاشی در خصوص شوهرش آقای که در چندین سال ادامه داشته مشاجره بین طرفین به صورت مداوم وجود داشته است و قبل از حادثه نیز این مشاجره به واسطه مشکوک بودن شاکی از متهم در خصوص نحوه ارتباط نامشروع وی ادامه داشته و طبق صورت جلسه بازسازی صحنه جرم و ملاحظه فیلم و عکس های گرفته شده معلوم می گردد در حالی که شاکی در حال استراحت و خواب بوده است اسید بر روی سر و صورت و بدن نامبرده ریخته شده است متهم اقرار به جرح عمدی با چاقو نسبت به شاکی داشته است و اظهارات فرزند مشترک بنام در خصوص نحوه زدن شاکی و قفل نمودن درب اتاق حاکی از صحت اظهارات شاکی دارد که توسط متهم مورد جنایت واقع شده است و پزشک قانونی تایید نمود که در ناحیه سر و صورت و بدن مقتول اسید ریخته شده و صدمات متعدد بدنی شاکی را تعیین و اعلام داشته است بنابراین هیات دادگاه با توجه به قرائن و امارات موجود و فحوای اظهارات شاکی برای اعضای دادگاه علم حاصل است که شاکی توسط خانم مورد جنایت از طریق اسیدپاشی و جرح عمدی واقع شده است و انکار و توجیه این که از سوی شاکی قصد ریختن اسید بر روی وی داشته منطبق با واقعیات پرونده نیست فلذا بزهکاری متهم

محرز و مسلم بوده چون شاکی درخواست قصاص متهم را خواستار شده است و امکان قصاص با توجه به نظریه پزشک قانونی از ناحیه چشم ها و لاله گوش وجود دارد و بقیه جراحات وارده به لحاظ عدم قصاص به لحاظ بیم خطر و عدم مماثلت قصاص ممکن نیست، دادگاه مستنداً به لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید و بند الف ماده ۲۹۰ و مواد ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۹، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۶۲، ۵۵۹، ۵۷۸، ۵۸۱، ۶۸۴ بند ب ماده ۷۰۹ و ماده ۷۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۲ حکم به قصاص بینایی هر دو چشم و هر دو لاله گوش متهم با جلب نظر پزشک صادر می شود و در خصوص لاله گوش سمت چپ به میزان کم اجراء شود و به پرداخت دو دیه کامل بعلاوه ۹۸/۲ درصد دیه کامل (نود و هشت درصد و

دو دهم دیه کامل) بابت جراحت سر و صورت و سینه و شکم و دست ها و کاهش شنوایی و از بین رفتن ۲۵ درصد از موی سر و از بین رفتن موهای چشم (مژه) محدودیت حرکت گردن - جراحت های پشت پای راست و چپ در حق شاکی صادر می شود که ظرف یک سال پرداخت شود و حکم به مجازات ده سال در مورد ایشان صادر می گردد رای صادره حضوری است و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور خواهد بود. پ/۱۲/۱۲

تحلیل رأی

به نظر می رسد استناد به ماده ۲۹۰ و تعیین حکم قصاص در دو مورد ۱- قصاص دو چشم ۲- قصاص لاله های گوش علیرغم اختلاف نظرهای بسیاری که وجود دارد، با توجه به نظریه پزشکی قانونی در خصوص مورد درست و بجاست اما یک نکته ابهام آمیز وجود دارد و آن هم صراحت رأی به (اجرای قصاص در خصوص گوش چپ) است که مقرر شده به نسبت گوش راست اجرای قصاص به میزان کمتری اجرا شود، مشخص نیست منظور از میزان کمتر چیست و معیار اندازه گیری چیست؟ مگر نه اینکه اسید مایع است و امکان سرایت و بیم مماثلت وجود دارد و مخالفت گروه مقابل با قصاص عضو در جرم اسید پاشی به همین دلایل است و در رأی حاضر متأسفانه این ابهام وجود دارد و تساوی در اجرای قصاص در هر دو گوش به تفکیک و تفاوت برگزار شده است.

۲- بحث جنبه عمومی جرم و توجه به فلسفه وضع تعزیرات در دادنامه با درنظر گرفتن حبس تعزیری موضوع لایحه ی قانونی مرتکبین بزه اسید پاشی مصوب ۱۳۳۷ لحاظ شده است.

۳- موارد صدمات وارده به عضو با درنظر گرفتن عدم مماثلت و بیم سرایت به درستی تبدیل به دیه شده است.

۴- در خصوص بزه ایراد جرح عمدی با چاقو در رأی اظهار نظر نشده است و به تفکیک مورد بررسی قرار نگرفته است.

۵- در خصوص ادعاهای متهم مبنی بر دفاع مشروع به دقت بررسی و اظهارنظر شده است.

۶- بررسی و بازسازی صحنه جرم صورت گرفته است که در کشف حقیقت مؤثر و اقدام قانونی و شایسته ای بوده است.

نتیجه گیری

۱- ارتکاب جرم خشن اسیدپاشی معمولاً ریشه در عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی دارد که با انگیزه هایی از جمله انتقام جویی، مسائل ناموسی اختلافات خانوادگی، مسائل عاطفی، اخاذی و سرقت و... رخ می دهد و افرادی که این عمل شنیع را مرتکب می شوند اکثراً دارای تیپ های شخصیتی خاص هستند با اختلالات عصبی، افسردگی، اضطراب، وسواس، اختلال

دو قطبی و... که گاهی اختلال بر اثر استعمال مواد مخدر و روانگردان ها می باشد که متأسفانه فقدان توان مدیریت این افراد آسیب پذیر در مورد واکنش ها اجازه نمی دهد که هیچ روش منطقی و عقلایی بر اعمالشان حاکمیت داشته باشد.

۲- اسیدپاشی یک جرم مطلق است و به نظرنگارنده عدالت و منطق ایجاب میکند که به مر قانون تسلیم نبود و اعمالی نظیر خوراندن، تزریق و فرو کردن اعضای بدن مجنی علیه در مایع اسید را مترادف با پاشیدن اسید دانست و همان حکم را جاری کرد.

۳- در خصوص نسخ مجازات اعدام در متن لایحه قانونی اسید پاشی بین صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد و اکثراً اعتقاد به نسخ کیفر اعدام و جاگزینی ۲۹۰ ق.م.ا دارند. آنچه با قانون جدید مجازات اسلامی جای بحث دارد. بررسی جرم اسید پاشی در حد وسیع است که توأم با اختلال در نظم عمومی باشد، عده کثیری از حقوقدانان ارتکاب جرم محاربه را باتوجه به سلاح محسوب نشدن اسید در معنای خاص قانونی منتفی می دانند، نظری که با تفسیر مضیق قوانین کیفری سازگار است اما به واقع با تکرار جرم اسید پاشی در جامعه و استفاده انتقام جویان از این ترکیب خطرناک، به عنوان یک سلاح رد، بالاخص زمانی که به صورت وسیع اتفاق می افتد، بیش از یک دعوای چاقو کشی بر افکار و احساسات عمومی اثر می گذارد و رعب و وحشت به همراه می آورد؛ و در امنیت اجتماعی اختلال ایجاد می کند و اصطلاح قانون و پیش بینی اسید به عنوان یک سلاح سرد دور از منطق نخواهد بود. این در حالی است که با تردید حقوقدانان در محاربه محسوب نشدن عمل اسید پاش و ایرادات فقهی وارده با قانون جدید مجازات اسلامی و اطلاق م ۲۸۶ می توان عمل مرتکب را نوعی افساد فی الارض تلقی کرد که می طلبد قانونگذار در این زمینه با توجه به سیر صعودی این جرم خشن شفاف تر عمل نماید و با جنبه عمومی جدی این جرم قاطع تر برخورد کند.

۴- در خصوص مجازات اعدام مندرج در ماده واحده که برای اسید پاشی منتهی به فوت مجنی علیه در نظر گرفته شده باید گفت به دنبال تصویب ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ که مجازات قصاص نفس را برای مرتکبین قتل عمدی لحاظ کرده، منسوخ شده است بنابراین در صورتی که اسید پاشی عمدی منتهی به فوت مجنی علیه گردد مجازات قصاص نفس و در صورتی که منجر به صدمات جسمانی شود در صورت رعایت مماثلت، قصاص عضو نسبت به مجنی علیه اجرا و در صورت بیم عدم رعایت مماثلت دیه در نظر گرفته می شود

۵- تعیین مجازات شروع به جرم اسیدپاشی امری اختلافی است. جمعی از حقوقدانان برجسته معتقدند با تصویب م ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ قانونگذار اراده کرده نظم یک پارچه به همه ی شروع به جرم های تعزیری بدهد و این ماده شروع به جرم ماده واحده اسیدپاشی را نسخ

ضمنی کرده است اما در مقابل عده ای همچنان معتقدند قانون خاص چه موخر و چه مقدم باشد، عام را تخصیص خواهد زد مگر اینکه قرینه ای در میان باشد لذا بر اساس منطوق این ماده واحده مجازات شروع به اسیدپاشی حبس از دو تا پنج سال است. اما به نظر نگارنده م ۱۲۲ را باید حاکم بر تمام شروع به جرم های تعزیری دانست.

۶- برخلاف نظر عده کثیری از پژوهشگران حقوقی و قضات به نظر می رسد تعیین خسارات مازاد بر دیه حداقل در این جرم وحشیانه با عدالت سازگار تر است. زیرا هزینه های درمان و اعمال جراحی که بر روی فرد مجنی علیه صورت می گیرد به مراتب بیش از میزان کل دیات و ارش پرداختی به او می باشد. ماده یک قانون مسوولیت مدنی بهترین مستند آغاز صدور حکم در این مساله است که می توان در تعیین میزان خسارات از پزشکی قانونی و کارشناسان متبحر کمک گرفت.

۷- همچنین با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی ۹۲ (ماده ۱۴ و تبصره ی آن) بار دیگر اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱ قانون مسوولیت مدنی جان تازه ای گرفتند و امکان مطالبه خسارت معنوی فراهم گشت. آنچه اهمیت به سزا دارد تعیین ضوابط و سازوکار تقویم پولی خسارت معنوی در این جرم فجیعانه است که برای همیشه جسم و زیبایی، احساسات، روح و روان و حیثیت اجتماعی بزه دیده را خدشه دار می کند.

۸- متأسفانه ترکیب شیمیایی اسید به وفور و بدون هیچ مجوز قانونی و تصریح علت استفاده در دسترس عموم قرار دارد حال آنکه روشن است استفاده از این مایع خطرناک موارد استفاده محدود دارد. لذا پیش بینی قانون و مقرر ای در این زمینه و کنترل خرید و فروش آزاد آن به گونه ای که برای تهیه آن از طرف اتحادیه و صنف منحصرثبت گردد، ضروری است تا هم از دسترس بودن بی رویه و استفاده ی خطرناک در این جرم وحشیانه جلوگیری شود و هم در مواقع لزوم کشف جرم و مجرمین خطرناک به تسریع صورت گیرد.

۹- علاوه بر سیاست گذاری های تخصصی جنایی و جزایی که همت خاص صاحب نظران را می طلبد، شفاف سازی قوانین و مجازات مربوط به اسیدپاشی از سوی مقنن و تصریح به تعیین کیفر قصاص یا اعدام و همچنین تعیین تکلیف شروع به جرم اسید پاشی و این که لایحه قانونی مربوط به اسید پاشی تا چه حد با قانون جدید مجازات اسلامی پابرجاست بدیهی می باشد.

۱۰. اسید پاشی نوعی رفتار پرخاشگرانه است و به دلیل غیر قابل پیش بینی و کنترل بودن فشار روانی زیادی بر جامعه وارد می کند و می تواند باعث بر هم زدن نظم عمومی گردد بنابراین

بہتر است چنانچہ افراد مورد تہدید بہ اسید پاشی قرار می گیرند سریعاً" بہ مقامات قضایی و امنیتی اطلاع دهند تا جدی بروز چنین رفتارهایی گرفتہ شود.

۱۱- نہایتا مانند ہمیشہ یکی از راہبردی ترین پیشنہادات بہ امر آموزش و پرورش و فرہنگ سازی برمی گردد و می بایست نہادہای مسوول از جملہ معاونت پیشگیری از جرم برنامه های مختلف را با ہدف آشنایی با جرم اسیدپاشی و مجازات آن و تبعات استفادہ از این ترکیب خطرناک آموزش دادہ و در این زمینہ در جہت آگاہ-سازی، سرگذشت بزہکاران و بزہ دیدگان اسیدپاشی مورد بررسی و نتایج آن در دسترس عموم قرار گیرد. همچنین از راہکارہای علوم جرم شناسی و روانشناسی از قبیل پیشگیری و حذف موقعیت های خطرناک و گرفتن فرصت ارتکاب جرم از مجرم با تدابیر و سیاست گذاری های جنایی و اجتماعی با برگزاری نشست های علمی بہرہ برد.

باشد تا کمتر شاهد ارتکاب چنین اعمال مجرمانہ ای در جامعہ اسلامیان باشیم.

منابع

- ۱- ابهری، مجید، (۱۳۹۰)، برای جلوگیری از اسیدپاشی چه باید بکنیم؟، خبر آنلاین مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۴.
- ۲- ایمانی، عباس، (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، نشر آریان.
- ۳- آقایی نیا، دکتر حسین، (۱۳۸۵)، حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اشخاص (جنایات)، نشر میزان.
- ۴- پاد ابراهیم (۱۳۴۷)، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، جرایم بر ضد اشخاص (صدمات بدنی و صدمات معنوی)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران.
- ۵- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۹۴)، اسیدپاشی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- ۶- پوربا فرانی، دکتر حسن، (۱۳۸۵)، ضابطه دوم قتل عمدی در فقه، قانون و رویه قضایی، فصل نامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۷۳، پاییز.
- ۷- حبیب زاده، دکتر محمد جعفر، (۱۳۷۰)، محاربه و افساد فی الارض، موسسه کیهان.
- ۸- رایجان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۰) بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ دوم، انتشارات دادگستر، معاونت پژوهش تدوین و تنقیح قوانین ریاست جمهوری (۱۳۸۳)، مجموعه جرایم و مجازاتها، جلد دوم، ویرایش اول، انتشارات ریاست جمهوری.
- ۹- رایجان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۰)، بزه دیدگان در سناریو بزه شناسی معاصر، دیباچه دکتر مهدی زکوی، انتشارات مجد.
- ۱۰- رایجان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۲)، تحلیل بزه شناسانه اسیدپاشی با نگاهی به پرونده آمنه بهرامی نوا، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۴.
- ۱۱- زندی محمدرضا، اجاقلو صالح، (۱۳۹۵)، مطالعه بزه اسیدپاشی و سیاست کیفری ایران در قبال آن و راهکارهای پیشگیری از آن، فصل نامه قضاوت، شماره ۸۶.
- ۱۲- شکری، رضا و قادر و سیروس، (۱۳۸۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر.
- ۱۳- صادقی، دکتر محمد هادی، (۱۳۸۲)، جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، نشر میزان.
- ۱۴- صرفی محمد، عابدیان کلخوران سیدحسن، (۱۳۹۰)، اسید پاشی و احکام جزایی آن، مجله مطالعات فقهی و فلسفی، سال دوم، شماره ۸۵.

۱۵- گلدوزیان، دکتر ایرج، (۱۳۸۴)، محتشای قانون مجازات اسلامی، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۶- ماکرانی، اویس، (۱۳۹۱)، علل بروز جرم اسیدپاشی از منظر قانون جامعه، پایگاه نشریات حق گست.

۱۷- مصلاحی، علیرضا، (۱۳۷۹)، قانون مجازات اسلامی در آرای دیوانعالی کشور، نشر ادبستان.
۱۸- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۴.

۱۹- نجفی ابرند آبادی، رایجان اصلی، فرجی ها و عزیز محمدی، (۱۳۹۳)، نشست های نقد و بررسی آرای قضایی اسید پاشی، پژوهشگاه قوه قضاییه، تهران.
۲۰- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۷۷)، بزه کاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری شماره ۲۲.

دادنامه ها:

۲۱- دادنامه شماره ۱۱۸، مورخ ۱۳۸۷/۹/۹، شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران.

۲۲- دادنامه شماره ۳۳۸۶۳، مورخ ۸۷/۱۰/۳۰، شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور.

۲۳- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۷۱۲۰۷۰۰۲۳۱، شعبه ۴ دادگاه کیفری استان فارس.